

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، پیاپی ۱۵
صفحات ۱۲۴-۱۰۳

موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی مورد: مددجویان تحت پوشش کمیته امداد در سیستان

صادق اصغری لقمجانی*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
عیسی شهرکی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
مهدی نادریان‌فر؛ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

چکیده

توانمندسازی یکی از اجزای لازم برای رسیدن به توسعه پایدار به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که، دستیابی به توسعه پایدار، بدون توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه امکان‌ناپذیر توصیف می‌شود. در این تحقیق تلاش شده است تا موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد سیستان، مورد کنکاش قرار گیرد. روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع اسنادی و بررسی‌های میدانی با استفاده از تکمیل پرسشنامه‌های روستا و خانوار و تکمیل فرم‌های مشاهدات میدانی بوده است. جامعه آماری تحقیق را خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد در منطقه سیستان تشکیل می‌دهد. برای تعیین حجم نمونه خانوار، ابتدا روستاهای با بیش از ۵۰ خانوار تحت پوشش کمیته امداد شناسایی گردید و با توجه به تعداد این روستاها و به‌کارگیری فرمول‌های شارپ و اصلاحی، ۴۰ روستا به عنوان روستاهای نمونه تعیین گردید. سپس با توجه به تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در روستاهای نمونه و استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۱ خانوار به عنوان حجم نمونه خانوار محاسبه شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات، از طریق مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و تحلیل‌های آماری و فضایی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS, Expert Choice و ArcGIS صورت گرفته است. نتایج حاکی از وجود اختلاف معنی‌دار در شدت موانع و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای واقع در شهرستان‌های مرزی سیستان با سایر روستاهای واقع در این منطقه است. همچنین بر اساس تحلیل‌های فضایی، نواحی شمال شرقی و غرب این منطقه، دارای بیشترین و نواحی جنوب شرقی آن دارای کمترین شدت موانع و محدودیت‌ها برای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی هستند. از طرف دیگر، نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (One-Way Anova) مؤید آن است که تأثیر محدودیت‌های منابع آب، بر فعالیت‌های معیشتی با ضریب ۰/۵۰۲ و درآمد و اشتغال با ضریب ۰/۳۷۸، به ترتیب مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات سازمانی با ضریب ۰/۴۹۰ و ویژگی‌های شخصیتی یا فردی سرپرست خانواده با ضریب ۰/۴۳۶ به عنوان مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد ساکن در این منطقه به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، توسعه روستایی، کمیته امداد، سیستان.

* Email: asghari2750@yahoo.com

(۱) مقدمه

پدیده‌ی فقر از دیرباز با زندگی بشر همراه بوده است. این واقعیت که دست‌گیری و حمایت از فقرا، یکی از تعالیم همه‌ی ادیان است، خود دلیل محکمی بر قدمت زیاد فقر و مسئله‌ساز بودن آن برای نظم اجتماعی جوامع در طول تاریخ است. از بعد اقتصادی نیز، تاریخ اقتصاد با موضوع فقر عجین بوده و در ادبیات توسعه‌ی اقتصادی، تا آن حد دارای اهمیت است که اقتصاددانان، فقر را به عنوان یکی از مباحث مهم در ادبیات توسعه، مطرح و زدودن فقر از جامعه را یکی از اهداف اصلی توسعه‌ی اقتصادی عنوان می‌کنند (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۳ الف: ۸۵). بر این اساس، به طور کلی، بعد از جنگ جهانی دوم گرایش حاکم در نظریات توسعه، متوجه مقابله با فقر و بهبود شرایط زندگی مردم بود و جوامع انسانی به منظور دستیابی به توسعه پایدار، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی را به عنوان کانون و پارادایم جدید مورد توجه قرار داده است (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹: ۲۵).

با وجود اینکه فقر مشکلی جهانی است، اما بروز بیشتر آن در روستاها باعث شده که به عنوان مهم‌ترین مشکل نواحی روستایی مطرح شود (کرد و آبتین، ۱۳۹۲: ۲). از این رو، در فرآیند توسعه روستایی، فقرزدایی، تأمین نیازهای اساسی و توانمندسازی فقرا، جایگاه اساسی دارد و حتی توسعه روستایی نیز به عنوان راهبردی برای فقرزدایی در نواحی روستایی تعریف می‌گردد و ضرورت فقرزدایی از طریق برنامه‌ریزی توسعه روستایی مورد تأکید قرار می‌گیرد (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۳ ب: ۲۳۴). با توجه به اینکه جامعه روستایی ایران به میزان زیادی با بیکاری (آشکار و پنهان) مواجه است، می‌توان گفت که توانمندسازی روستاییان، راه حل سودمندی برای خروج از بیکاری و فقر است (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). به همین منظور در ایران برای مبارزه با فقر و نابرابری‌های درآمدی و توانمندسازی اقشار جامعه روستایی، سازمان‌ها و نهادهای رفاهی متعددی در قالب راهبردهای حمایتی ایجاد شده است. یکی از این نهادهای عمده، کمیته امداد امام خمینی (ره) است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با هدف شناخت محرومیت‌های مادی و معنوی افراد جامعه، طبقات محروم و حمایت از آنان به منظور فقرزدایی، از طریق ارائه خدمات مالی، بهداشتی، آموزشی و برنامه‌های خودکفایی برای نیازمندان تشکیل شده است (اسلامی و حجازی، ۱۳۹۰: ۲۷۷-۲۷۶). این نهاد، در طی بیش از سه دهه فعالیت، خدمات ارزنده‌ای را به محروم‌ترین اقشار جامعه در اقصی نقاط کشور ارائه کرده است. استفاده از منابع، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردمی برای دست‌گیری و حمایت از نیازمندان و خودکفایی و توانمندسازی آن‌ها، از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهاد است.

با وجود خدمات ارزنده‌ای که این نهاد حمایتی جهت فقرزدایی، به‌ویژه در منطقه سیستان داشته، همگام با کاهش شدید یا توقف جریان آب ورودی هیرمند و کاهش فعالیت‌های معیشتی، بخش عمده‌ای از

خانوارهای روستایی ساکن در این منطقه، منابع درآمدی خویش را به طور کامل از دست داده و بر این اساس، بر تعداد فقرا و افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی- امدادی این منطقه افزوده شده است (ضیاء توانا و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳). به طوری که تعداد ۶۷۶۹ خانوار تحت پوشش کمیته امداد در سال ۱۳۷۵، به ۲۱۲۳۵ خانوار در سال ۱۳۸۵ و ۲۸۸۸۳ خانوار در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (کمیته امداد شهرستان زابل، ۱۳۹۳). از این رو، با توجه به روند فزاینده و نگران‌کننده افزایش تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد، شناسایی موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی تحت پوشش این نهاد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود تا از طریق شناسایی عوامل مؤثر، امکان اتخاذ تصمیم‌های متناسب در جهت توانمندسازی این گروه از افراد جامعه فراهم گردد. در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن شناخت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد در روستاهای سیستان، میزان اثرگذاری و مهم‌ترین آن‌ها مشخص شود.

۲) مبانی نظری

در خصوص مفهوم توانمندسازی، تعاریف متفاوتی ارائه شده است که این امر را می‌توان ناشی از دو عامل مهم دانست: نخست، چندبعدی بودن این مفهوم و دوم، کاربرد آن در حوزه‌های مختلفی چون مدیریت، روان‌شناسی، جغرافیا، کشاورزی و جامعه‌شناسی (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱). در یک رویکرد کلی‌نگر، توانمندسازی عبارت است از قدرت بخشیدن به افراد، بدین معنی که به آنان کمک شود تا حس اعتمادبه‌نفس را در خود تقویت و بر ناتوانی‌ها یا درماندگی‌های خود غلبه نمایند (گلزاری و میردامادی، ۱۳۹۲: ۵۰). بر این اساس، توانمندسازی چیزی نیست که اعطا شود، بلکه فرآیندی است که از شرایط موجود، به وسیله افراد آگاه در یک جامعه معین نشأت می‌گیرد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). این فرآیند افراد را قادر می‌سازد که خودمختاری، کنترل و اعتمادبه‌نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی، برای چیره شدن بر محدودیت‌های موجود اقدام نمایند (خانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸). در این راستا، توانمندسازی اقتصادی فرآیندی است از پایین به بالا که طی آن، فقرا با افزایش قابلیت‌های اقتصادی می‌توانند به نیازهای خود پاسخ داده و به حقوق و قدرت برابر دست یابند (Drolet, 2010: 3). بنابراین، توانمندسازی اقتصادی افراد، جوامع و حتی ملت‌ها به معنی ایجاد قابلیت‌های لازم برای کسب مسئولیت جمعی در فعالیت‌های اقتصادی به منظور دستیابی به یک زندگی بهتر و مدیر توسعه خود شدن است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۹: ۲۷۶). با این تفاسیر، توانمندسازی اقتصادی محصول توازن قدرت در روابط فضایی است. توانمندسازی، با ایجاد تغییر در دانستنی‌ها، نگرش‌ها و عواطف و نحوه انجام فعالیت‌ها، مهارت‌ها، تغییرات و ارزش‌ها، به توسعه منجر خواهد

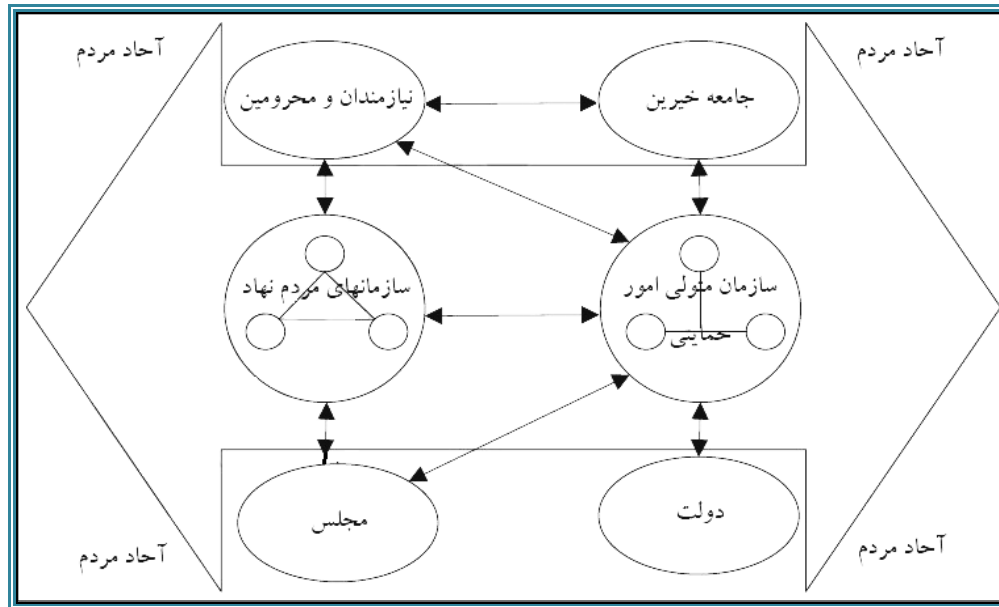
شد.

فرض بر این است که فقر روستاییان فقط ناشی از کمبود درآمد نیست بلکه عدم قدرت، اعتماد، خودباوری و پذیرش اجتماعی روستاییان از عوامل تشدیدکننده فقر در مناطق روستایی به‌شمار می‌آید (Srinvas, 2007: 5). در این صورت با رویکرد توانمندسازی اجتماعی مواجه خواهیم بود که از نظر اجتماعی، توانمندسازی تغییر در توزیع قدرت تعریف شده است و منجر به دسترسی بیشتر به خدمات و محصولات یا افزایش فرصت مشارکت در فرآیند سیاسی می‌شود (قلی پور و رحیمیان، ۱۳۸۸: ۳۲). توانمندسازی گاهی به عنوان اکتساب مهارت‌هایی که افراد را قادر می‌سازد تا در موقعیت‌های مختلف کنترل بیشتری داشته باشند، تعریف می‌شود. از این منظر، توانمندسازی ظرفیت مشارکت و احساس خود اثربخشی در افراد ایجاد می‌نماید (Kyem, 2004: 14). بنابراین، توانمندسازی به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیره‌هایی است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است، یعنی اینکه فضایی برای افراد فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی را بیافرینند و آن‌ها را به عمل تبدیل کنند (Evans, 2010:234-245).

مشارکت منجر به به‌کارگیری مکانیسم‌هایی می‌گردد که پاسخ مطمئن‌تری به نیازهای مردم می‌دهد. این مکانیسم‌ها، خط‌مشی‌های پیچیده‌ای از اقتصاد خانوار با ابعاد تولیدی، بهبود رفاه از طریق انباشت سرمایه (زمین، مهارت و زیرساخت) یا چارچوب قیمت‌گذاری، تحقیق و توسعه کشاورزی، سیاست‌های بازاری و دسترسی به اعتبارات ارائه می‌نماید که موجب توانمندی خانوارهای روستایی می‌گردد (Zeza et al., 2009:1298). در همین راستا، نظریه‌های متعددی در مورد توانمندسازی و فقرزدایی مورد بحث اندیشمندان بوده است. محور اصلی این نظریه‌ها تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری‌ها را تحمیل می‌کند. با در نظر گرفتن اینکه نابرابری‌ها در هر نقطه‌ای از دنیا با توجه به شرایط فرهنگی، تاریخی و اجتماعی متفاوت است، این نظریه‌ها بر دو پیش‌فرض استوار است: (۱) ارتقای توان افراد برای اتکاء به خود موجب افزایش قدرت آن‌ها خواهد شد؛ و (۲) قدرت نشانه برتری فرد نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک نماید. از نظر طرفداران این نظریه‌ها، برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. بنابراین اقشار ضعیف جامعه باید بیاموزند که با خود یاری و اعتمادبه‌نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند (زیاری، ۱۳۹۳: ۸۸).

به هر حال، با وجود آنکه مسئله توانمندسازی، سابقه‌ای چند ده ساله دارد، لیکن بیش از یک دهه است که اندیشمندان حوزه منابع انسانی، تمرکز ویژه‌ای بر این موضوع داشته و ابعاد، اهداف، راهبردها، الگوها، مدل‌ها و ساز و کارهای آن را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند (نیاز آذری و تقوایی یزدی، ۱۳۹۳: ۱۶۰). بر

این اساس، توانمندسازی خانوارهای نیازمند روستایی، مستلزم تعاملات مناسب میان سازمان‌های حمایتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، برنامه‌ریزان و دلسوزان جامعه می‌باشد (شکل ۱).



شکل شماره (۱): الگوی تعاملی میان عوامل مطرح در توانمندسازی خانوارهای نیازمند روستایی

مأخذ: رضایی تبار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵ با اصلاحات نگارندگان.

طبق مطالعات، بسیاری از فسادها و بزه‌کاری‌ها، ریشه در فقر اقتصادی دارد که مصداق سخن شریف «کاد الفقر أن یكون کفراً»^۱ است. بنابراین، توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه، یکی از مسائل مهمی که همواره اذهان نویسندگان و محققان را به خود مشغول کرده است. در همین راستا، فیترمن^۲ (۲۰۰۴)، به ارزیابی توانمندسازی توسعه اقتصادی-اجتماعی در نواحی روستایی پرداخته است. او توانمندسازی را مشتمل بر فرآیند پنج سطحی می‌داند که شامل آموزش با تأکید بر بهبود خودتکایی ذی‌نفعان، تسهیل‌گری با تأکید بر فراهم‌سازی راهنمایی‌های عمومی و سوق‌دهی ذی‌نفعان به سمت شناخت و اولویت‌بندی مشکلات‌شان، حمایت با تأکید بر ایفای نقش حمایتی وابستگان و دست‌اندرکاران دولتی از پیشنهادات توسعه‌ای افراد محلی، آشکارسازی با تأکید بر آگاه‌سازی و روشن‌گری و ایجاد انگیزه در ذی‌نفعان برای همراهی با دیگر عوامل برنامه و آزادسازی با تأکید بر فرصت‌سازی خودخواسته و رهایی فرد از قیدهای گذشته است.

^۱ پیامبر اکرم (ص): «بیم آن است که فقر به کفر انجامد» (نهج الفصاحه).

^۲ Fiterman

ارستاد^۳ (۲۰۰۷)، در تحقیق خود پیرامون طراحی و تبیین الگوی توانمندسازی روستاییان مالزی به این نتیجه رسید که عوامل شخصی (سن و وضعیت تحصیلی)، عوامل اجتماعی و اقتصادی (بعد خانوار، اندازه مالکیت زمین، میزان استفاده از نهادهای کشاورزی و وضعیت بهره‌برداری از اراضی کشاورزی) و عوامل محیطی (میزان استفاده از سموم و کود شیمیایی، میزان حفاظت از خاک، شاخص‌های توسعه حفاظت از خاک) از مهم‌ترین عوامل در توانمندسازی روستایی به‌شمار می‌رود. اکپابو^۴ (۲۰۰۹) نیز نقش سازمان‌های غیردولتی در توانمندسازی فعالیت‌های زنان روستایی در نیجریه را مورد مطالعه قرار داده است. وی به این نتیجه رسیده است که سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند با طیف گسترده‌ای از اقدامات از طریق کسب مهارت‌ها در زمینه گسترش مواد غذایی، افزایش تولیدات و آگاهی‌های لازم در زمینه‌های بهداشت به توانمندسازی افراد کمک کنند. از سوی دیگر، آبرهام^۵ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان اندازه‌گیری توانمندسازی اجتماعی کشاورزان در هند به این نتیجه دست یافت که اجزای اصلی اندازه‌گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان، قدرت تصمیم‌گیری و سابقه شغلی است و اعضای مسن‌تر گروه‌های خود یار کشاورزان، بیشتر توانمند هستند. همچنین الشیک^۶ و الامن^۷ (۲۰۱۳)، به تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی به طور قابل‌توجهی تحت تأثیر دسترسی به خدمات مالی، دسترسی به فرصت‌های تولید و آموزش و پرورش قرار دارد. از نظر آن‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که به بهبود توانمندسازی اقتصادی زنان کمک می‌کند، شامل افزایش دسترسی به منابع، ارائه آموزش و استفاده و ترویج قابلیت‌های آنان در توسعه اقتصادی است. از طرف دیگر، ابایومی^۸ و ابادات^۹ (۲۰۱۴) به نقش سازمان‌های غیردولتی در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در نیجریه پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داده است که عدم دسترسی به تسهیلات اعتباری، عدم دسترسی به زمین‌های کشاورزی و محدودیت‌های محیطی، عدم دسترسی به اطلاعات، عدم برنامه‌های آموزشی مناسب و عدم ظرفیت‌سازی توسط سازمان‌های غیردولتی به عنوان عوامل مانع در برابر توانمندسازی اقتصادی زنان در منطقه مورد مطالعه به‌شمار می‌رود.

عنابتانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت در

^۳ Erstad

^۴ Akpabio

^۵ Abraham

^۶ Elsheikh

^۷ Elamin

^۸ Abayomi

^۹ Abadat

توانمندسازی اقتصاد روستایی شهرستان ایجرود پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بسترهای لازم جهت اعمال رویکردهای مشارکت در توانمندسازی اقتصادی روستاییان در بخش کشاورزی تا حد کمی فراهم شده است. با توجه به گسترش دیدگاه‌های توسعه مردم محور در زمینه توسعه روستایی و اثبات فرضیه‌های تحقیق، تأکید بر رهیافت‌های مشارکتی جهت توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی اجتناب‌ناپذیر است. محمد پور و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار ساری، به ارزیابی عملکرد سازمان‌های مذکور در جهت کاهش فقر زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که با وجود تلاش‌های فراوان این دو سازمان حمایتی، بسیاری از اهداف و شاخص‌های کاهش فقر در میان زنان سرپرست خانوار برآورده نشده است. در این راستا، نگاه ساختاری به فقر، تمرکز بر انبساط سازمانی، عدم تعریف اهداف بلندمدت معطوف به فقرزدایی، حمایت‌های جزئی و کم تأثیر، کم توجهی به ابعاد ذهنی و فرهنگی تولید و باز تولید فقر و فرهنگ مرتبط با آن، از جمله موانع دستیابی این سازمان‌ها به کاهش مؤثر فقر معرفی گردیده‌اند. مطیعی-لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه‌ی کارآفرینی بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود عوامل فردی و محیطی در افزایش توانمندی روستاییان برای ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکار تأثیر دارد. عوامل مؤثر از منظر گروه کنترل در این تحقیق عبارت‌اند از عامل سازمانی، عامل منابع مالی و اقتصادی، عامل مهارت و دانش، عامل خانواده، عامل عزت نفس، عامل مشارکت اجتماعی و عامل زیرساختی.

چرمچیان لنگرودی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان در استان مازندران، به این نتیجه رسید که ۲۲ درصد واریانس توانمندسازی کشاورزان این استان به وسیله چهار عامل منابع وام‌گیری و راهکارها (عوامل مثبت) و روش‌های آموزشی و موانع قابل تبیین است. بیشترین وام، توسط کشاورزان استان مازندران از بانک گرفته شده است و دادن وام و اعتبارات به کشاورزان در رتبه اول راهکارها (عوامل مثبت)، برای توانمندسازی آن‌ها بوده است. سطح سواد پایین نیز مهم‌ترین مانع در توانمندسازی کشاورزان این استان است. محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که این اعتبارات نتوانسته است توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی را در بر گیرد، اما رابطه‌ی معناداری میان افزایش میزان اعتبارات و بهبود شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی وجود دارد. به هر حال، با توجه به پیشینه مطرح، با وجود آن که تاکنون عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در ابعاد مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، ولی در هیچ یک از این پژوهش‌ها، موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی و

اجتماعی خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد بررسی نشده است.

۳ روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد در منطقه سیستان تشکیل می‌دهد. برای تعیین حجم نمونه خانوار، ابتدا روستاهای دارای بیش از ۵۰ خانوار تحت پوشش کمیته امداد شناسایی گردید و بر اساس تعداد این روستاها و استفاده از فرمول شارپ (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۶۷) و فرمول اصلاحی (سرای، ۱۳۹۱: ۱۲۶)، ۴۰ روستا به عنوان روستاهای نمونه تعیین گردید (جدول ۱) و در گام بعدی، روستاهای نمونه به طور تصادفی از بین روستاهای بالای ۵۰ خانوار تحت پوشش کمیته امداد انتخاب گردید. در ادامه با توجه به تعداد ۳۰۷۱ خانوار تحت پوشش کمیته امداد در آن‌ها و استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۱ خانوار به عنوان حجم نمونه خانوار محاسبه گردید.

جدول شماره (۱): روستاهای نمونه به تفکیک تعداد خانوار تحت پوشش کمیته امداد

ردیف	شهرستان	نام دهستان	نام روستا	تعداد خانوار تحت پوشش	ردیف	شهرستان	نام دهستان	نام روستا	تعداد خانوار تحت پوشش
۱	هیرمند	قرقری	گمشاد	۸۷	۲۱	نیمروز	سفیدآبه	سفیدآبه	۷۶
۲	هیرمند	قرقری	قرقری	۱۰۶	۲۲	نیمروز	سفیدآبه	ماده کاریز	۷۵
۳	هیرمند	قرقری	پیران	۹۳	۲۳	نیمروز	سفیدآبه	کلاته عمر	۷۰
۴	هیرمند	اکبرآباد	خاک سفیدی	۵۵	۲۴	نیمروز	ادیمی	حلیم خان	۵۳
۵	هیرمند	دوستمحمد	خمر	۷۹	۲۵	نیمروز	ادیمی	چرک	۶۷
۶	هیرمند	دوستمحمد	آزاد ساسولی	۵۸	۲۶	نیمروز	ادیمی	پیران	۹۱
۷	هیرمند	دوستمحمد	شغالک	۶۶	۲۷	نیمروز	ادیمی	دهنو	۵۲
۸	هیرمند	مارگان	شندل	۱۰۱	۲۸	نیمروز	قائم آباد	لورگ باغ	۵۱
۹	هیرمند	مارگان	جهانتیغ	۵۳	۲۹	زابل	بنجار	تپه دز	۵۴
۱۰	هیرمند	جهان آباد	محمدقاسم	۵۴	۳۰	زابل	بنجار	حسن رحمان	۵۹
۱۱	هیرمند	جهان آباد	میلک	۲۲۴	۳۱	زابل	بنجار	کلوخی	۷۵
۱۲	زهک	زهک	سیاسر	۵۴	۳۲	زابل	بنجار	قاسم آباد	۶۷
۱۳	زهک	زهک	عباس رستم	۷۱	۳۳	هامون	محمد آباد	فیروزه ای	۸۵
۱۴	زهک	زهک	کفتارگی	۵۶	۳۴	هامون	تیمورآباد	افضل آباد	۷۶
۱۵	زهک	خواجه احمد	ده نادر	۵۵	۳۵	هامون	محمدآباد	ابراهیم آباد	۹۰
۱۶	زهک	خواجه احمد	ملاقاسم	۵۰	۳۶	هامون	تیمورآباد	اسماعیل قنبر	۱۰۰
۱۷	زهک	خمک	گوری	۷۶	۳۷	هامون	کوه خواجه	لطف الله	۵۵
۱۸	زهک	خمک	خمک	۱۳۱	۳۸	هامون	محمدآباد	دولت آباد	۸۷
۱۹	زهک	جزینک	قلعه کنگ	۵۳	۳۹	هامون	لوتک	اسلام آباد	۱۰۱
۲۰	زهک	جزینک	قلعه کهنه	۷۸	۴۰	هامون	لوتک	حسین آباد	۸۷

منبع: کمیته امداد شهرستان زابل، ۱۳۹۳

برای تعیین شاخص‌های تحقیق، ضمن مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و متناسب با شرایط حاکم بر روستاهای منطقه سیستان، مجموعه‌ای از شاخص‌های مرتبط با موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی

خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد تعیین گردیده است (جدول ۲ و ۳). پرسشنامه‌های خانوار با کمک سرپرستان خانوار یا همسران‌شان و پرسشنامه‌های روستا نیز با کمک سه نفر از اعضای شورای اسلامی روستاها، خبرگان محلی یا ریش‌سفیدان ساکن در آن‌ها تکمیل شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های خانوار و روستا و فرم‌های مشاهدات میدانی، از قابلیت‌های نرم‌افزارهای SPSS و ArcGIS استفاده شده است. در این راستا، برای تعیین شدت موانع یا محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارها، بر اساس فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مراحل مختلفی شامل تشکیل ماتریس ارزیابی، تعیین وزن شاخص‌های مرتبط (در محیط Expert Choice) و نیز استاندارد نمودن داده‌ها مورد توجه بوده است. از طرف دیگر، برای جمع‌بندی داده‌ها نیز از روش ترکیب وزنی ۱۰ استفاده گردید که رابطه مورد استفاده در این روش به صورت زیر است:

$$Z_i = \sum_j W_j X_{ij}$$

Z_i = شدت موانع یا محدودیت‌های ارزیابی شده برای خانوار i ($i = 1, 2, 3, \dots, m$)

W_j = وزن شاخص j X_{ij} = نمره استاندارد شده شاخص j برای خانوار i

پس از تعیین شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی خانوارها و به دنبال آن تعیین وضعیت هر یک از روستاهای مورد مطالعه، این روستاها بر حسب مقادیر شدت موانع و محدودیت‌ها، در محیط ArcGIS به گروه‌های مختلفی تفکیک و نقشه پراکنش آن‌ها به تفکیک شدت موانع یا محدودیت‌ها تهیه گردید. همچنین توان تأثیرگذاری هر یک از عوامل مطرح در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (One-Way Anova) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره (۲): مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد توجه در بررسی موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
منابع و روش‌های تولید	نوع فعالیت معیشتی، دسترسی به ابزار و لوازم مورد نیاز برای فعالیت‌های معیشتی، دسترسی به زمین کشاورزی مورد نیاز، حاصلخیزی اراضی کشاورزی، دسترسی به نهاده‌های کشاورزی (کود، بذر، سم و ...)، امکان تأمین علوفه دام، میزان مهارت در فعالیت تولیدی مرتبط با خانواده، استفاده از روش‌های پیشرفته زراعی در سامانه کاشت-داشت-برداشت، امکان استفاده از نیروی کار خانواده در فعالیت‌های کشاورزی، دسترسی به کارشناسان و مروجین کشاورزی
اشتغال و درآمد	میزان درآمد، امکان پس انداز خانواده، دسترسی به بازار فروش محصولات کشاورزی، امکان کار و کسب درآمد بیشتر در سطح روستا، دسترسی به سرمایه کافی جهت کار و اشتغال، تأثیر مستمری دریافتی از کمیته امداد در فعالیت‌های تولیدی خانواده، تأثیر ایجاد دیوار مرزی سیستم بر فعالیت‌های معیشتی
هزینه‌های زندگی	هزینه‌های خوراک و پوشاک، هزینه‌های جانبی زندگی (آب، برق، تلفن و ...)، هزینه‌های درمان، هزینه تحصیل فرزندان، هزینه‌های ناشی از مشکل اعتیاد
موانع و محدودیت‌های محیطی کسب	میزان دسترسی به آب سطحی مورد نیاز برای کشاورزی، امکان استفاده از آب زیرسطحی، کیفیت آب قابل دسترسی برای کشاورزی، تأثیر کاهش یا توقف آب رودخانه هیرمند بر فعالیت‌های کشاورزی خانواده، تأثیر کاهش یا توقف آب رودخانه هیرمند بر سایر فعالیت‌های معیشتی خانواده، تأثیر کاهش بارندگی بر فعالیت‌های معیشتی، تأثیر فرسایش خاک و حرکت ماسه‌های روان بر فعالیت‌های

^{۱۰} Additive Weighting Method

درآمد	معیشتی، تأثیر شور شدن خاک بر میزان تولیدات زراعی و باغی، تأثیر وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان در میزان تولیدات، تأثیر گرد و غبار ناشی از طوفان‌ها بر فعالیت‌های معیشتی، تأثیر نوسانات شدید دمایی سیستان بر فعالیت‌های معیشتی خانواده
-------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

جدول شماره (۳): مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح در بررسی موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مشکلات جسمی و روحی	معلولیت و بیماری جسمی یا روحی سرپرست خانوار، کهولت سن سرپرست خانوار، وجود فرد یا افراد معلول یا دارای بیماری صعب‌العلاج در خانواده
معضلات اجتماعی خانواده	مشکل اعتیاد در سطح خانواده، مشکل طلاق در سطح خانواده، فوت سرپرست خانوار - زندانی بودن سرپرست خانوار
سطح آگاهی	آگاهی از ساز و کارهای اخذ تسهیلات، آگاهی از نحوه راه‌اندازی یا رونق کسب‌وکار، آگاهی از قیمت واقعی محصولات تولیدی در سطح بازار، آشنایی با تکنولوژی‌های جدید کشاورزی، آگاهی از الگوی کشت متناسب با شرایط محیط، آگاهی از اقدامات لازم برای افزایش راندمان تولید
سطح رضایت خانواده	رضایت خانواده از فعالیت‌های معیشتی سرپرست خانوار، رضایت خانواده از درآمد سرپرست خانوار، رضایت خانواده از سطح خدمات دولتی و کمیته امداد، رضایت خانواده از زندگی در روستا، تمایل خانواده برای ماندگاری در روستا
ویژگی‌های شخصیتی سرپرست خانوار	سطح سواد، سطح مهارت برای فعالیت‌های تولیدی مرتبط، نوآوری و خلاقیت فردی، تمایل برای فعالیت‌های کشاورزی یا تولیدی، سخت‌کوشی در زندگی، علاقه به کسب موفقیت و پیشرفت، روحیه کار و اشتغال، ترس از شکست در کار و اشتغال، تمایل برای انجام فعالیت‌های درآمدزای دیگر، عادت داشتن به بی‌پولی، قانع بودن به مستمری کمیته امداد، پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی، احساس یأس و ناامیدی، میزان رضایت از عملکرد خود، تصور محکوم بودن به زندگی فقیرانه
مشارکت	مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری برای حل مشکلات روستا، مشارکت روستاییان در امور مالی روستا، مشارکت روستاییان در امور عمرانی روستا، مشارکت مالی روستاییان برای کمک به افراد نیازمند، همکاری همسایگان در کارهای تولیدی، مشارکت روستاییان در لایروبی رودخانه‌ها و انهار مرتبط با روستا، شرکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، همکاری روستاییان با شورای روستا، قرض دادن ابزارهای کشاورزی به یکدیگر
مشکلات سازمانی	دسترسی به کارشناسان جهت دریافت مشاوره برای حل مشکلات اجتماعی، حمایت سازمان‌های دولتی جهت اشتغال افراد تحت پوشش، امکان دریافت وام خودکفایی، کفایت مبلغ وام خودکفایی جهت ایجاد اشتغال، امکان کسب مهارت‌های لازم برای افزایش راندمان تولید، امکان دریافت خسارت مربوط به بیمه محصولات کشاورزی، میزان اعتبارات وام‌های خوداشتغالی، میزان کمک‌های نقدی از سوی کمیته امداد، دسترسی به اعتبارات و تسهیلات تولیدی، سطح کمک‌های غیر نقدی کمیته امداد، تأثیر دهیاری و شورای اسلامی روستا در حل مشکلات، تأثیر مراکز خدمات روستایی در حل مشکلات
دسترسی به امکانات زیربنایی	دسترسی به امکانات مخابراتی - برق - جاده آسفالت و آب لوله‌کشی، دسترسی به امکانات حمل‌ونقل در سطح روستا، دسترسی به تعاونی‌های تولیدی، دسترسی به مدارس (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان)، دسترسی به خدمات اینترنتی
امنیت	دسترسی به پاسگاه انتظامی، میزان سرقت در سطح روستا، میزان مزاحمت و شرارت در سطح روستا

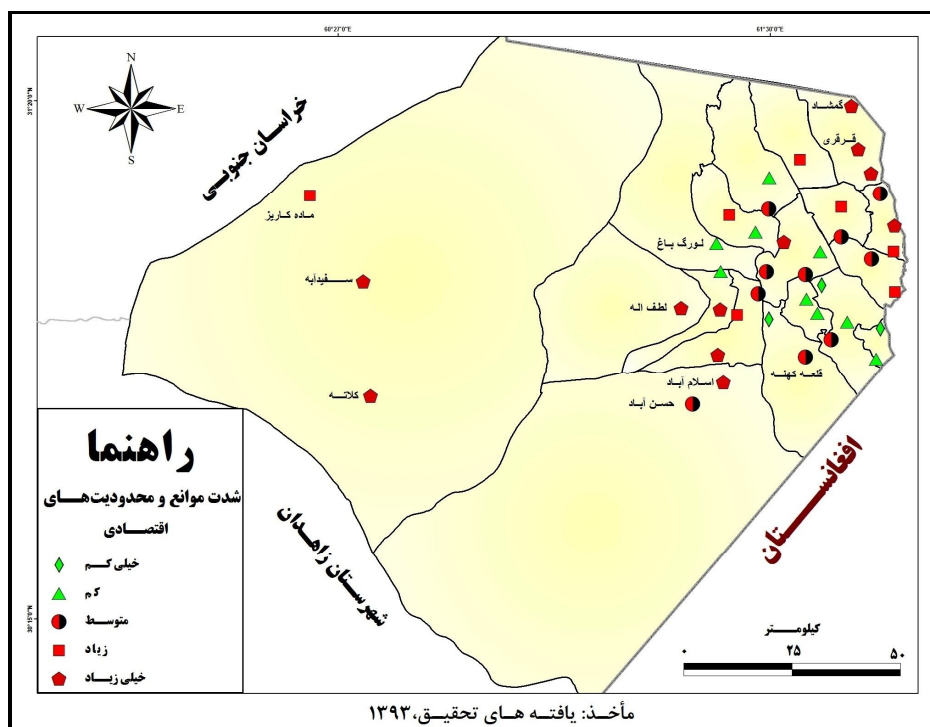
۴ یافته‌های تحقیق

بررسی اطلاعات عمومی پاسخ‌گویان مؤید آن است که ۶۵/۷ درصد افراد، مرد و ۳۴/۳ درصد آن‌ها نیز زن بوده‌اند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۵۳ سال بوده است. از نظر وضعیت سواد، ۵۰/۷۴ درصد آن‌ها بی‌سواد، ۱۶/۷۲ درصد در سطح ابتدایی، ۱۰/۵۶ درصد در سطح راهنمایی و سایر افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر بوده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، وضعیت نامطلوب اقتصادی ناشی از فقر شدید، کهولت سن، فوت سرپرست، طلاق و زندانی بودن سرپرست، از عوامل اصلی تحت پوشش بودن این خانوارها محسوب می‌شود که در این راستا، درگیر بودن خانوار با مشکلات اقتصادی ناشی از عدم امکان کسب درآمد (و در نتیجه فقر شدید خانوار) و کهولت سن سرپرست خانوارها، به ترتیب علت تحت پوشش بودن ۳۶/۶ و ۲۴/۹ درصد از خانوارهای مورد مطالعه بوده است (جدول ۴). بر اساس نتایج پژوهش، شدت موانع و محدودیت‌های اقتصادی مؤثر بر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در ۳۰ درصد از روستاهای مورد مطالعه، کم یا خیلی کم و در ۴۵ درصد آن‌ها نیز زیاد یا خیلی زیاد است. بررسی چگونگی پراکنش روستاهای مورد مطالعه از نظر شدت موانع و محدودیت‌های اقتصادی مؤثر بر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد نشان می‌دهد که روستاهای دارای موانع و محدودیت‌های شدید یا خیلی شدید اقتصادی، عمدتاً در قسمت‌های شمال شرقی و غرب محدوده مورد مطالعه پراکنده است (شکل ۲).

جدول شماره (۴): علل تحت پوشش قرار گرفتن افراد مورد مطالعه در کمیته امداد امام خمینی (ره)

درصد	فراوانی	علت
۲۴/۹	۸۵	کهولت سن
۹/۱	۳۱	بیماری
۱۸/۵	۶۳	فوت سرپرست
۱۰/۳	۳۵	طلاق
۰/۶	۲	زندانی بودن سرپرست
۳۶/۶	۱۲۵	فقر شدید
۱۰۰	۳۴۱	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳



شکل شماره (۲): پراکنش روستاها به تفکیک شدت اثرات موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی خانوار

در بین روستاهای دارای شدت موانع و محدودیت‌های شدید، روستاهای سفید آبه، کلاته و ماده‌کاریز جلب توجه می‌کند. این گروه از روستاها که در مناطق کوهستانی غرب سیستان واقع شده است، هیچ‌گونه دسترسی به آب رودخانه هیرمند نداشته، جریان آب این رودخانه یا توقف آن، عملاً تأثیری در فعالیت‌های معیشتی ساکنین آن‌ها ندارد. در این روستاها به دلیل محدودیت‌های محیطی ناشی از توپوگرافی خشن و کوهستانی بودن نواحی، زمین کشاورزی قابل کشت وجود ندارد و فعالیت‌های معیشتی عمدتاً وابسته به فعالیت‌های دامداری هستند. ساکنان این روستاها، در سال‌های اخیر، به دلیل وضعیت بسیار نامطلوب مراتع در اراضی کوهستانی منطقه و عدم وجود پوشش گیاهی کافی برای دام‌های شان، عملاً با وضعیت نابسامان فعالیت‌های معیشتی روبرو هستند. در کنار محدودیت‌های محیطی فوق، فاصله زیاد این روستاها از شهر زابل و محرومیت‌های ناشی از عدم خدمات‌رسانی مناسب دولت به این روستاها نیز در تشدید اثرات موانع و محدودیت‌های به وجود آمده تأثیرگذار بوده است.

برخی از روستاهای شمال شرقی منطقه مورد مطالعه نیز به علت همجواری با بستر خشک تالاب هامون، در شرایط نامطلوبی قرار گرفته‌اند؛ به طوری که فعالیت‌های معیشتی وابسته به تالاب آن‌ها (مثل صید ماهیان، شکار پرندگان مهاجر آبی، پرورش گاو سیستانی از طریق تعلیف آن‌ها با پوشش گیاهی نیزار و تولید پرده با

استفاده از نی‌های تالاب)، به دلیل خشک شدن تالاب هامون متوقف شده است و اندک فعالیت‌های کشاورزی این روستاها نیز به دلیل عدم دسترسی به جریان آب رودخانه هیرمند، از بین رفته است. همچنین در برخی از روستاها، به علت وجود ماسه‌های روان حاصل از فرسایش بستر خشک تالاب هامون، نابسامانی‌های متعددی دامن‌گیر ساکنان روستاها شده که این عوامل در تشدید فقر خانوارهای روستایی ساکن در آن‌ها تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این، سیاست‌های جدید دولت (از طریق ایجاد دیوار امنیتی بتنی در مجاورت مرز با افغانستان)، بر درآمدهای حاصل از مبادلات مرزی خانوارهای ساکن در روستاهای منطقه به طور عام و روستاهای مرزی به شکل خاص تأثیر گذاشته و خانوارهای روستایی را با نابسامانی‌های متعدد اقتصادی و تبعات ناشی از آن‌ها روبرو ساخته است.

یافته‌های دیگر پژوهش بیانگر آن است که روستاهای دارای موانع و محدودیت‌های کم یا خیلی کم اقتصادی، عمدتاً در جنوب شرقی منطقه پراکنده‌اند. ساکنین این گروه از روستاها علاوه بر اینکه به آب چاهک‌ها دسترسی دارند، در سال‌های کم آبی نیز به علت واقع شدن در مجاورت انشعابات اصلی رودخانه هیرمند، بهتر از سایر روستاها به آب‌های سطحی دسترسی دارند. به همین علت این گروه از روستاها، دارای موانع و محدودیت‌های اقتصادی کمتری نسبت به سایر روستاها هستند. روستاهای ده نادر، عباس رستم، گوری و سیاسر در این گروه از روستاها قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، دوری روستاهایی نظیر لطف‌الله، اسماعیل قنبر و اسلام‌آباد از انشعابات اصلی رودخانه هیرمند موجب گردیده که در سال‌های کم آبی منطقه (که در آن سال‌ها به میزان ناچیزی آب از طریق رودخانه هیرمند وارد منطقه سیستان می‌گردد)، ساکنان این گروه از روستاها به آب سطحی دسترسی نداشته باشند و این عامل نیز در تشدید فقر خانوارهای ساکن در این روستاها مؤثر بوده است.

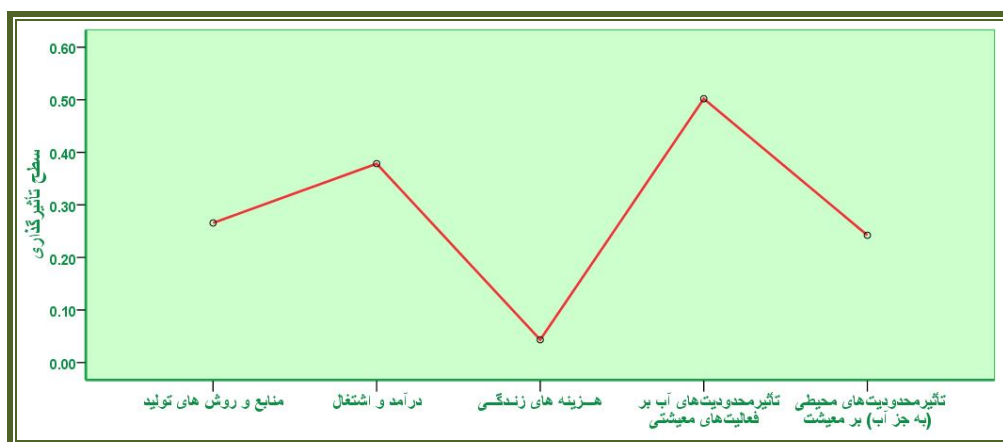
نتایج بررسی فراوانی خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد نشان می‌دهد که ۸۰ درصد خانوارهای مورد مطالعه، تأثیر کاهش یا توقف آب رودخانه هیرمند بر فعالیت‌های معیشتی خود را ملموس‌تر از سایر شاخص‌های مورد مطالعه می‌دانند. علاوه بر این، تأثیرات سایر عوامل محیطی منطقه نظیر تأثیر وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان در کاهش تولید و برداشت محصولات زراعی، تأثیر ناشی از طوفان‌های گرد و غبار در افزایش بیماری‌های چشمی و تنفسی نیز قابل توجه است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (One-way Anova) نشان می‌دهد که میانگین واریانس بین گروه‌ها بیشتر از میانگین درون گروه‌ها است و از آنجا که مقدار P.value کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ به دست آمده است، با سطح اطمینان ۹۹ درصد، اختلاف معناداری بین شدت تأثیرگذاری عوامل مختلف مطرح در بروز موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی خانوارهای روستایی وجود دارد (جدول ۵). در همین راستا، نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که «تأثیر

محدودیت‌های منابع آب بر فعالیت‌های معیشتی» با ضریب 0.502 ، درآمد و اشتغال با ضریب 0.378 و منابع و روش‌های تولید با ضریب 0.266 به ترتیب دارای بیشترین تأثیر در بروز موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی خانوارهای مورد مطالعه بوده است (شکل ۳). بر این اساس، در جهت توانمندسازی اقتصادی خانوارهای مورد مطالعه، رفع محدودیت‌های ناشی از آب و بهبود بخشیدن به وضعیت کار و اشتغال از اولویت بیشتری برخوردار است.

جدول شماره (۵): مقایسه میانگین شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی خانوارهای روستایی مورد مطالعه

سطح معناداری (Sig.)	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی (df)	جمع مجذورات	سطح تأثیرگذاری
۰/۰۰۰	۱/۵۳۹	۷/۱۶۲	۴	۲۸/۶۴۹	بین گروه‌ها
		۰/۰۰۵	۱۲۲۳	۵/۶۹۳	درون گروه‌ها
			۱۲۲۷	۳۴/۳۴۲	کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

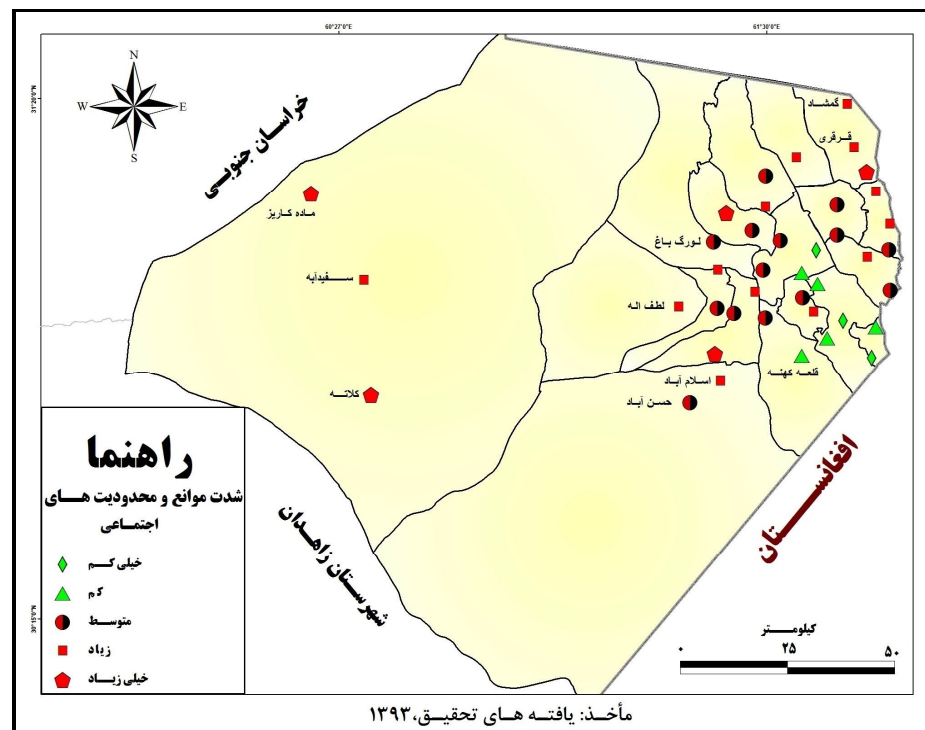


شکل شماره (۳): مقایسه توان تأثیرگذاری عوامل مطرح در شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اقتصادی خانوار

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

سطح موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی مؤثر بر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در ۴۵ درصد از این روستاها، زیاد یا خیلی زیاد، در ۲۰ درصد آن‌ها کم یا خیلی کم و در سایر روستاها نیز در حد متوسط است. این مقادیر نشان‌دهنده آن است که خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در زمینه توانمندسازی اجتماعی نیز با موانع و محدودیت‌های متعددی روبرو هستند؛ به طوری که ۶۲/۷ درصد پاسخ-

گویان معتقدند عدم دسترسی به کارشناسان جهت دریافت مشاوره برای حل مشکلات اجتماعی و عدم حمایت سازمان‌های دولتی جهت اشتغال افراد تحت پوشش از موانعی است که خانوارهای مورد مطالعه برای توانمندسازی اجتماعی با آن مواجه است. این در حالی است که بر اساس یافته‌های پژوهش، در ۳۸/۶ درصد از این خانوارها، عدم سخت‌کوشی در زندگی، تمایل ناچیز به کسب موفقیت و پیشرفت، احساس یاس و ناامیدی و عدم رضایت سرپرست خانوار از عملکرد معیشتی خانواده، حاصل این باور غلط است که آن‌ها محکوم به زندگی فقیرانه هستند. در زمینه شاخص‌های مربوط به مشارکت در روستاها نیز خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد، مشارکت خانوارها در امور مالی روستا، قرض دادن ابزارهای کشاورزی به یکدیگر، مشارکت مالی روستاییان برای کمک به افراد نیازمند و همکاری همسایگان در کارهای تولیدی را در سطح ضعیف یا بسیار ضعیف بیان نموده‌اند. بررسی چگونگی پراکنش روستاهای مورد مطالعه بر اساس شدت اثرات موانع یا محدودیت‌های اجتماعی مؤثر بر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد بیانگر آن است که روستاهای واقع در قسمت‌های مرکزی محدوده مورد مطالعه، عمدتاً موانع و محدودیت‌هایشان در سطح متوسط بوده، روستاهای دارای موانع یا محدودیت‌های زیاد یا خیلی زیاد نیز در سراسر محدوده مورد مطالعه پراکنده است (شکل ۴).



شکل شماره (۴): پراکنش روستاها به تفکیک شدت اثرات موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوار

نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌های موانع و محدودیت‌های پیش روی توانمندسازی اجتماعی خانوارها نشان‌دهنده آن است که اختلاف معناداری بین توان تأثیرگذاری عوامل مختلف مطرح در بروز موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه وجود دارد (جدول ۶). همچنین اینکه، مشکلات سازمانی با ضریب ۰/۴۹۰، ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانواده با ضریب ۰/۴۳۶ و عدم مشارکت با ضریب ۰/۴۱۸ بیشترین تأثیر را در بروز موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه داشته است. در مقابل، مسائلی همچون امنیت با ضریب ۰/۰۳۳، معضلات اجتماعی خانواده با ضریب ۰/۰۲۶ و سطح رضایت خانواده با ضریب ۰/۰۱۶، کمترین تأثیر را در موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی این خانوارها دارد (شکل ۵).

جدول شماره (۶): نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه بر موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارها

سطح معناداری (Sig.)	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی (df)	جمع مجذورات	سطح تأثیرگذاری
۰/۰۰۰	۱/۲۳۴	۹/۴۴۸	۸	۷۵/۵۸۱	بین گروه‌ها
		۰/۰۰۸	۲۱۷۷	۱۶/۶۶۱	درون گروه‌ها
			۲۱۸۵	۹۲/۲۴۱	کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.



شکل شماره (۵): مقایسه توان تأثیرگذاری عوامل مطرح در شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوار

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

بررسی برآیند کلی شدت اثرات موانع و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد نشان می‌دهد که نواحی شمال شرقی و غرب منطقه مورد مطالعه دارای بیشترین و نواحی جنوب شرقی، دارای کمترین موانع و محدودیت‌ها است که تا حد زیادی ناشی از وجود آب زیرسطحی، قرارگیری و نزدیکی روستاها در مسیر انشعابات اصلی رودخانه هیرمند، دسترسی به زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و وجود زیرساخت‌های مناسب است. همچنین در این تحقیق، برای مقایسه برآیند کلی شدت اثرات موانع و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در روستاهای مرزی با اثرات کلی آن‌ها در سایر روستاهای سیستان، از آزمون t گروه‌های مستقل^{۱۱} استفاده شده است. تردیدی نیست که وجود متغیر وابسته فاصله‌ای، همگونی واریانس‌ها و توزیع نرمال داده‌های مورد استفاده، از شرایط لازم در استفاده از آزمون‌های پارامتریک (مثل آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و مدل آماری t دو گروه مستقل) است. مقایسه میانگین شدت اثرات موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی روستاهای مرزی با سایر روستاهای سیستان نیز مؤید آن است که میانگین شدت اثرات موانع و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای مرزی ۲/۹۲۸ و در سایر روستاها ۲/۵۴۸ به دست آمده است (جدول ۷).

جدول شماره (۷): خروجی آمار توصیفی آزمون t برای دو گروه از روستاهای مورد مطالعه

گروه‌های مورد مطالعه	تعداد روستاها	میانگین	انحراف معیار	خطای متوسط استاندارد
روستاهای مرزی	۲۰	۲/۹۲۸	۰/۴۴۱۷۴۵۳	۰/۰۹۸۷۷۷۲
سایر روستاها	۲۰	۲/۵۴۸	۰/۵۴۶۲۲۵۲	۰/۱۲۲۱۳۹۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

با توجه به اینکه در خروجی آزمون لون (Levene)، سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (جدول ۸)؛ فرض برابری واریانس‌ها رد نمی‌شود و از آنجائی که سطح معنی‌داری برای آزمون مقایسه میانگین دو گروه، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، با سطح اطمینان ۹۵ درصد، تفاوت معنی‌داری بین شدت اثرات موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای ساکن در این دو گروه از روستاها وجود دارد که بدون تردید می‌توان گفت سیاست‌های اخیر دولت در ایجاد دیوار امنیتی (که عملاً دیوار بتنی ایجاد شده، امکان تردد به دو سوی مرز و در نتیجه مبادلات مرزی خانوارهای روستایی و کسب درآمدهای مختلف آن‌ها در این راستا را از بین برده) در تشدید موانع و محدودیت‌های فوق نقش اساسی دارد.

^۱ Independent-Samples T Test

جدول شماره (۸): خروجی آمار استنباطی آزمون t برای گروه‌های مستقل

آزمون t برای تساوی میانگین‌ها						آزمون تساوی واریانس لون		F	سطح معناداری	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	t	میانگین اختلاف	خطای استاندارد اختلاف	فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای اختلاف	
کران بالا		کران پایین		کران بالا		کران پایین										
۰/۶۹۸۷۴۷۷	۰/۰۶۲۷۵۲۳	۰/۱۵۷۰۸۲۹	۰/۳۸۰۷۵۰۰	۰/۰۲۰	۳۸	۲/۴۲۴	۰/۰۹۳								۵/۶۳۴	فرض برابری واریانس‌ها
۰/۶۹۹۲۰۵۳	۰/۰۶۲۲۹۴۷	۰/۱۵۷۰۸۲۹	۰/۳۸۰۷۵۰۰	۰/۰۲۰	۳۶/۴۰۷	۲/۴۲۴			فرض نابرابری واریانس‌ها							

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین درصد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد روستاها و شدت اثرات موانع و محدودیت‌های توانمندسازی آن‌ها، با سطح اطمینان ۹۹ درصد، ارتباط نسبتاً قوی معنادار برقرار بوده است. در این راستا، وجود ۱۶ روستا از ۴۰ روستای مورد مطالعه که در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد خانوارهای آن‌ها تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار دارد، قابل توجه است.

۵) نتیجه‌گیری

توانمندسازی به عنوان فرآیندی که به واسطه آن افراد بر امور و کارهای خود تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتماد، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال می‌توانند مسیر زندگی‌شان را به درستی هدایت کنند، مورد توجه اندیشمندان است. هدف تحقیق حاضر، بررسی موانع و محدودیت‌های توانمندسازی خانواده‌های روستایی تحت پوشش کمیته امداد بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد دارای شدت اثرات متفاوتی است که بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه، این شدت اثرات در قالب چهارده گروه اصلی موانع یا محدودیت‌ها تبیین شد. در این میان، تأثیر محدودیت‌های منابع آب بر فعالیت‌های معیشتی با ضریب ۰/۵۰۲، بیشترین میزان اثرات را به خود اختصاص داده است که نتیجه حاصل، همسو با نتایج مطالعات محققانی همچون «ابی‌اومی و ابادت» (Abayomi and Abadat, 2014)، در تحلیل کارکرد پراهمیت محدودیت‌های محیطی در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی خانوارها است. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، مشکلات سازمانی و ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانواده از دومین و سومین موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی خانوارهای مورد مطالعه هستند که اهمیت

آن‌ها نیز در مطالعات «آبراهام» (Abraham, 2004) و «کنی» (Kinney, 2006) مورد تأیید قرار گرفته است و از نظر محققان، رفع آن مستلزم آموزش ذی‌نفعان است.

در یک جمع‌بندی کلی بر مجموع یافته‌های توصیفی و تحلیلی پژوهش مشخص می‌شود که خانوارهای ساکن در روستاهای سیستان به واسطه محدودیت‌های ناشی از آب ورودی رودخانه هیرمند از افغانستان با مشکلات متعددی مواجه هستند و عدم دسترسی به منابع آب با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، بر کاهش اشتغال و درآمد، افزایش و تشدید فقر و نابسامانی‌های اجتماعی خانوارهای روستایی بسیار تأثیرگذار بوده است. از این‌رو، افزایش بیش از چهار برابری تعداد افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ (که همزمان با تشدید محدودیت‌های ناشی از آب ورودی هیرمند از افغانستان و شروع خشکسالی‌ها یا کم‌آبی‌های سیستان بوده است)، قابل درک خواهد بود.

کمیته امداد امام خمینی (ره)، بیش از هر نهاد دیگری رسالت و مسئولیت فقرزدایی و توانمندسازی افراد محروم جامعه را بر عهده دارد و با توجه به اینکه توانمندسازی، ابزاری برای برنامه‌های فقرزدایی محسوب می‌شود، در جهت توانمندسازی این خانوارها، توجه به پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد:

- با توجه به اینکه رفع محدودیت‌های ناشی از وابستگی آب مورد نیاز روستاهای سیستان به افغانستان بیش از هر عامل دیگری در توانمندسازی اقتصادی خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد مؤثر است، بنابراین پیگیری دولت برای دریافت حق‌آبه منطقه سیستان و تالاب بین‌المللی هامون از رودخانه هیرمند در چارچوب حقوق بین‌الملل ضروری است.
- با توجه به اینکه قسمت‌های شمالی و شرق سیستان دارای مرز مشترکی با کشور افغانستان می‌باشند، می‌توان از این موقعیت در جهت توسعه اقتصادی روستاییان بهره برد. در این راستا، راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی در شمال، شرق و جنوب شرق سیستان و امکان مبادلات مرزی، باعث کاهش محدودیت‌ها در سطح روستاها خواهد شد.
- با توجه به نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه بر عوامل مؤثر در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد، رفع موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی، مستلزم تقویت مشارکت‌های مردمی است. بنابراین با عنایت به اینکه مشارکت در طرح‌های خوداشتغالی و موارد مشابه برای گروه‌های مشارکت‌کننده، منافع مالی خواهد داشت، تقویت فرهنگ مشارکت و مشارکت دادن خانوارهای مورد مطالعه در امور مختلف برای انجام بهتر آن‌ها و کنترل امور توسط خودشان می‌تواند در بهبود وضعیت خانوارهای تحت پوشش تأثیرگذار باشد.

۶ منابع

- اسلامی، رامین و سیدمجتبی حجازی، (۱۳۹۰)، تأثیر برنامه‌های توانمندسازی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در قالب اعطای تسهیلات خودکفایی، بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره)، خردادماه ۱۳۹۰، تهران.
- چرمچیان‌لنگرودی، مهدی، (۱۳۹۱)، مدل‌یابی شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان استان مازندران، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره ۴، صص ۳۱۴-۳۰۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ نوزدهم، انتشارات سمت، تهران.
- خانی، فضیله، سیدحسن مطیعی لنگرودی و لیلیا صیاد بیدهدی، (۱۳۹۱)، ارائه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده‌کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان)، مجله توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۸.
- رضائی‌تبار، رضا، حمید زارع و محمد مقیمی، (۱۳۹۱)، الگوی تعاملی توانمندسازی از طریق مشارکت‌های اجتماعی در کمیته امداد امام خمینی (ره) با رویکرد مسجد محوری، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۴۷.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمدالله سجاسی قیداری، (۱۳۸۹)، توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات)، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد، (۱۳۸۹)، توانمندسازی، دایره‌المعارف سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها. چاپ اول، انتشارات وزارت کشور، تهران.
- زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۹۳)، مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای. چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- سراپی، حسن، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران.
- ضیاء‌توانا، محمدحسن، عبدالرضا رحمانی‌فضلی، محمدحسن گنجی و صادق اصغری‌لفمجان، (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی اثرات کاهش آب هیرمند بر فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای سیستان، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱، صص ۶۵-۴۹.
- عنابستانی، علی‌اکبر، حمید شایان، رضا خسروبیگی و علی‌اکبر تقی‌لو، (۱۳۹۰)، نقش ویژگی‌های مکانی- فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان ایجرود بالا شهرستان ایجرود)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۴، صص ۱۳-۱.
- عنابستانی، علی‌اکبر، حمید شایان، رضا خسروبیگی و علی‌اکبر تقی‌لو، (۱۳۹۲)، نقش مشارکت در توانمندسازی اقتصادی نواحی روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان ایجرود بالا-استان زنجان)، فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی، شماره ۴۴، صص ۹۰-۷۳.
- قلی‌پور، آرین و اشرف رحیمیان، (۱۳۸۸)، رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان

- سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۰، صص ۲۹-۶۲.
- کمیته امداد شهرستان زابل، (۱۳۹۳)، آمار خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در منطقه سیستان.
 - کرد، باقر و عبدالعزیز آبتین، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، صص ۱-۱۴.
 - گلزاری، اعظم و مهدی میردامادی، (۱۳۹۲)، بررسی نقش مهندسين کشاورزی در توانمندسازی گندم کاران در افزایش تولید گندم در استان کرمانشاه، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، شماره ۲، صص ۴۹-۶۰.
 - محمدپور، احمد، داریوش بوستانی و مهدی علیزاده، (۱۳۹۱)، ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته‌ی امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۶، صص ۳۱۹-۳۵۲.
 - محمدی‌یگانه، بهروز، مهدی چراغی و زهرا یزدانی، (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی (مورد شناسی: دهستان محمودآباد، شهرستان شاهین دژ)، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۱۳، صص ۸۳-۹۶.
 - محمدی‌یگانه، بهروز، مهدی چراغی، کبرا احمدی، (۱۳۹۳)، بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی روستایی (مطالعه موردی: دهستان غنی بیگلر شهرستان زنجان)، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا و توسعه، شماره ۳۵، صص ۲۳۳-۲۴۷.
 - مطیعی لنگرودی، سیدحسن، مجتبی قدیری معصوم، فضلہ دادورخانی، جهانگیر یداللهی فارسی و زهرا ترکاشوند، (۱۳۹۱)، تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه‌ی کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۱۹-۱۳۸.
 - میرزایی، حسین، غلامرضا غفاری و علیرضا کریمی، (۱۳۸۹)، توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۴، صص ۹۹-۱۲۸.
 - نیازآذری، کیومرث و مریم تقوایی‌یزدی، (۱۳۹۳)، ارائه الگوی توانمندسازی مدیران واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۸۰.
 - Abayomi, A., & Abadat, A., (2014), **The Roles of Selected NGOs in Economic Empowerment of Rural Women in Ibadanland, Nigeria**. *Academy of Management Journal*, 39:PP.483-504.
 - Abraham, J. A. (2011), **Measurement of Social Empowerment of Farmers in SHGS: Evidence from India**, *International NGO Journal*, Vol. 6(12), December 2011, pp. 255-261.
 - Akpabio, I., (2009), **Women NGOs and rural women empowerment activities in the Niger Delta, Nigeria**. *Environment, Development and Sustainability*, 11:307-317. DOI 10.1007/s10668-007-9112-5.
 - Drolet, J., (2010), **Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt**, *International Social Work*.
 - Elsheikh, S., & Elamin, S., (2013), **The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan:**

- Empirical Analysis.** *The Journal of American Academy of Business*, Cambridge Vol. 19, No.1.
- Erstad, M., (2007) **Empowerment and Rural Development**, *International Journal of Rural Development*, pp.134-136.
 - Evans, E. N., (2010), **Liberation Theology**, Empowerment Theory and Social Work Practice with the Oppressed *International Social Work*, PP.234-235.
 - Kinney, R.F.(2006), **The Community Empowerment Scale**, Fountain House Inc., New York , PP.34-35.
 - Kyem, P.A.K., (2004), **Power, Participation, and Inflexible Institutions: An Examination of the Challenges to Community Empowerment in Participatory GIS Applications.** *Cartographica*, 38(3&4): pp.5-17.
 - Srinvas, H., (2007), **Reforming Agricultural Development Banks**, CGAP and Working group on Agricultural Development Srinnvias, PP. 40-41.
 - Zezza, A., Gero, C. Benjamin, D. & Paul, W., (2009), **Rural Income Generating Activities: whatever Happened to the Institutional Vacuum? Evidence from Ghana, Guatemala, Nicaragua and Vietnam**, *World Development* Vol.37, No.7, PP.1297-1306.